



بازگشت ناآرامی به مصر

## کشته شدن ۶۰ نظامی در سینا

صفحه ۱۵

تأمین اجتماعی همچنان به دنبال بن کارگران

## حق بیمه هم‌گران شد

صفحه ۳

رونمایی از جدیدترین گل‌کاری جریان اصلاح‌طلب

## چه کسی

## دکل را خورد؟!

صفحه ۲

وزیر علوم تأکید کرد

## کند شدن

## رشد علمی کشور

صفحه ۴

توسط دفتر رهبری امکان‌پذیر شد

## پرداخت اینترنتی وجوهات شرعی

صفحه ۲

بدعت تاریخی دولت آتن که غربی بودن را فراموش کرد

## تمرد یونانی

## پاشنه آشیل سلطه جهانی

شروین طهری



دولت آتن که قرن‌ها پیش نخستین الگوی دموکراسی را به جهان معرفی کرده بود حالا در قرن بیستم و یکم مدل جدیدی از حکومت‌داری را

براساس نافرمانی از نهادهای بین‌المللی با اهرم مردم‌سالاری - همه‌پرسی برای نبردآتن از بدی‌های خارجی- ارائه می‌دهد که بعید نیست به همان اندازه دموکراسی یونانی بازتعریف شده در غرب مورد استقبال ملت‌های جهان سوم قرار بگیرد و نظام بین‌المللی موجود را بی‌اعتبار کند.

کارشناسان اقتصادی غرب می‌گویند رفتار اخیر یونان همان الگویی است که هر کشور در حال توسعه یا جهان‌سومی آرزویش را دارد؛ تمدن از نظامات سختگیرانه بین‌المللی، همانی که توسط منتقدان غرب، «نظام سلطه» خوانده می‌شود. تمرد یونانی می‌تواند پاشنه آشیلی برای سلطه جهانی نهادهای و سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی باشد بویژه آنکه این بدعت از سوی یونانی‌ها به عنوان میراث‌داران تمدن هلنی و نگهبانان دروازه تاریخی تمدن غرب صورت گرفته است.

در واقع مهم‌ترین گناه یونان از نگاه آمریکایی‌ها و اتحادیه اروپا، فراموش کردن قرض‌های سنگینش نیست بلکه به قول نخست‌وزیر چین «به فراموشی سپردن غربی بودنش» است. طی هفته اخیر، این ضرب‌المثل چینی از آن بدعت تاریخی یونانی در رسانه‌های غربی بازتاب عجیبی داشته است. آنها با پرداختن به این موضوع نگران‌کننده، برزخ مالی یونان را در حقیقت مقدمه برخی جهانی خواندند که طی آن اقتدار تمرکز یافته در غرب به‌خاطر بی‌اعتبار شدنش دچار تعلیق می‌شود. فراموش نکنیم یونان نخستین کشور توسعه یافته‌ای است که از خیر «توسعه یافته» به حساب آمدن توسط نهادهای غربی گذشت و برای اینکه بتواند نفس بکشد از پرداخت بدهی‌اش به صندوق بین‌المللی پول مفرغ رفت. امروز دولت آتن پیشنهادات نهادهای غربی برای بازپرداخت بدهی‌هایش را «خادای» توصیف و رهبران اروپا را با فراندوم علیه عضویت در منطقه یورو تهدید می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۱

**محمد واعظی:** اقتضاح «سعودی لیکس» با سرخط افشای قطره‌چکانی اسرار سیاست خارجی کثیف حکومت وهابی‌ها در جهان، حقیقتاً مشابه نشان سایت «ویکی لیکس»، به ساعتی شنی تبدیل شده که می‌تواند در میان‌مدت به سقوط آل سعود بینجامد.

اما اهمیت این اسناد و عملیات موفقیت‌آمیز سربازان عدالت یعنی چیست؟ از میان ۵۰۰ هزار سند به‌دست آمده توسط «لرتش سایبری یمن» تاکنون تنها ۵۰ هزار سند به صورت عمومی در ویکی لیکس منتشر شده و به مثابه زلزله‌ای پر قدرت پایه‌های حکومت آل سعود را به لرزه انداخته است. رازهای افشا شده آل سعود را تا اینجا کار می‌توان به ۳ بخش مجزا تقسیم کرد: اسناد «فساد داخلی آل سعود»، رازهای سیاست خارجی وهابیون و ارتباطات عمال سیاسی آنها در منطقه با آمریکا و اسرائیل و بخش سوم نیز شامل تعریف محرمانه کیفیت حقیقی رفتار سعودی‌ها، مقابل ایران است.

### تجزیل درباری، فساد پادشاهی

در اسناد وزارت خارجه عربستان نشانه‌های بارزی از فساد شاهزادگان سعودی به چشم می‌خورد که قطعا برای مردم این کشور که قریب به ۲۰ درصد آنها در یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با «فقر» دست و پنجه نرم می‌کنند، جالب توجه خواهد بود. فراموش نکنیم پادشاه سابق عربستان به منظور جلوگیری از دست دادن فقرای این کشور با موج اول «بیداری اسلامی»، با درک موقعیت متزلزل خود ناچار شد اصلاحات ۱۰ بندی را با ادب رسانه‌ای اعلام و به هر خانواده بیش از ۱۰ هزار ریال سعودی حق بی‌عملی اعطا کند.

تنهایی از اسناد منتشر شده در آسوشیتدپرس نشان از آن دارد که شاهزاده «مه‌الابراهیم»، همسر یکی از اعضای خاندان سلطنتی سعودی، از پرداخت صورت‌حساب یک و نیم میلیون فرانک سوییس برای اجاره انومبیل مجلل لیموزینش در سفر به سوییس سر باز زده و از دیپلمات‌های سعودی در سوییس خواست به این امر «سیدگی» کنند! یکی از مسؤولان شرکت خدماتی انومبیل لیموزین در سوییس به آسوشیتدپرس گفته است این مبلغ حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار دلار آمریکا است، که درباره سعودی‌ها امری رایج محسوب می‌شود.

### جاسوسان عالی رتبه، مهرهای سوخته!

**الف - خیانت در ایران:** هر چند ماجرای سری پرداخت حق تحصیل و تأمین مسکن فرزند عطا مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کابینه اصلاحات در ایران بسیار سر و صدا کرد اما حقیقت این است که اسناد سابق افشا شده درباره اقامت موقت مهاجرانی در اسرائیل و یادگیری جهشی «زبان عبری» توسط وی و حضور در جلسه دربیوزگی اپوزیسیون منطقه نزد ملک عبدالله

سعودی، ریزه‌خواری عامل موساد و استخبارات سعودی بر سر سفره سعودی‌ها را قابل پیش‌بینی می‌کرد.

این در حالی است که یکی از سران فتنه، پیش از این با استناد به «غیرفعال» بودن مهاجرانی در لندن، وی را آماده بازگشت به ایران به‌عنوان مهرهای خدم که به علت برخی سوءتفاهمات خانوادگی ناچار به ترک ایران شده، خوانده بود.

**ب- بی‌ثباتی و شبکه‌سازی در لبنان، مصر و یمن:** افشای نام جاسوسان و موسساتی که در لبنان، مصر و یمن از رژیم سعودی مبالغی برای پیشبرد اهداف خاندان سلطنتی دریافت می‌کرده‌اند، حقیقتاً ضربه بسیار بزرگی است که می‌تواند هر دستگاه اطلاعاتی را با لیستی از «مهره‌های سوخته» دچار بحرانی جهانی کند. روزنامه الاخبار در همین باره نوشت:

**ابراهیم امین ضمن «گدا» خواندن این افراد افزود:** «کنته خنده‌دار اینکه یکی از موسسه‌هایی که براساس اسناد ویکی لیکس از رژیم سعودی کمک مالی دریافت کرده، مدعی شده مبلغی که دریافت کرده بسیار کمتر از آن چیزی است که در اسناد ویکی لیکس به آن اشاره شده است و به همین دلیل از ریاض می‌خواهد باقیمانده کمک یادشده را پرداخت کنند!»

شبکه تلویزیونی نیا نیز با استناد به اسناد ویکی لیکس ماهیت گروه ۱۴ مارس لبنان به ریاست «سعد حریری»، را که شعار حاکمیت ملی و استقلال لبنان سر می‌دهد، افشا کرد. به این ترتیب به مردم لبنان ثابت شد ۱۴ مارس، بزرگ‌ترین دشمن حزب‌الله و وحدت لبنانی‌ها، به دستور دربار آل سعود عمل می‌کند و تحت سلطه دلارهای نفتی آنها قرار دارد.

در سند دیگری آمده است: میشل معوض، رئیس جنبش استقلال و یکی از اعضای تیم ۱۴ مارس از رژیم سعودی درخواست کمک مالی به منظور پیروزی شدن در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۲ کرده است تا بدین ترتیب مناطق مسیحی از دست داده در انتخابات قبلی را باز پس گیرد.

سند ارسال شده از سفارت عربستان در بیروت به وزارت خارجه آل سعود در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد سمیر ججعج، رئیس حزب نیروهای لبنانی، از عربستان درخواست کمک مالی کرده است، زیرا حزب وی در شرایط سختی بسر می‌برد و نمی‌تواند حقوق کارکنان و هزینه نیروهای محافظ سمیر ججعج را بپردازد!

فراموش نکنید این افسراد و احزاب بزرگ‌ترین دشمنان حزب‌الله در لبنان و طراحان پروژه خلع سلاح نیروهای مردمی مدافع استقلال این کشور در برابر تجاوزات دوره‌های اسرائیل هستند. ج- دشمنان در سوریه، ترکیه و قطر: همچنین اسناد نشان از آن دارد که از همان آغاز بحران سوریه، عربستان، ترکیه، قطر و جریان ۱۴ مارس از تروویست‌ها و مخالفان سوریه تمام‌قد حمایت کرده‌اند. ولید جنبلاط از نمایندگان مجلس لبنان از عضو گروه ۱۴ مارس نیز از قطر برای ایجاد بی‌ثباتی در سوریه و لبنان مقادیر زیادی پول دریافت کرده است.

**د- خیانت مادر خرج داعش در عراق:** علاوه بر لبنان و قطر و ترکیه، عمل آمریکایی-سعودی در عراق نیز از افشاکاری‌های جنگ‌آوران یمنی بی‌نصیب نمانده‌اند. سندی تکان‌دهنده نشان از آن دارد که دولت ریاض ۱۳ روز پس از سقوط «موصل» به دست «داعش» نیم میلیارد دلار به حساب رئیس وقت پارلمان عراق واریز کرده است! در این سند که نام‌های است از طرف سازمان اطلاعات عربستان خطاب به اسامه النجیفی، آمده است: «برادر ارجمند و محترم جناب آقای «اسامه النجیفی»، به اطلاع می‌رساند ما مبلغ ۵۷۵ میلیون دلار براساس قراردادی که با بانک «یکستایل» ترکیه داشتیم، به شماره حساب «B۲۳۲۱۷۴۶A۱» و چک شماره KSA۹۵۴۰۲۱ در تاریخ ۲۰۱۴/۶/۲۲ واریز کردیم. امیدواریم که پیش از اعلام آمادگی شما برای اجرای آنچه میان ما توافق شده، از آن برداشت نکنید. تا پس از این براساس درصدهایی که برای هر یک از شخصیت‌های معین در توافق ما مشخص شده، تقسیم شود.»

نامه به امضای رئیس دستگاه اطلاعات عمومی عربستان، خالد بن بندر بن عبدالعزیز آل سعود رسیده است. حال رمزگشایی از علل سقوط ناگهانی موصل و تبدیل این شهر استراتژیک به پایتخت حکومت داعش در منطقه و مخالفت با تشکیل «جند شعبی» برای جنگ با وحوش سعودی، توسط همین سیاسیون و جاسوسان عراقی با فریاد کمک‌خواهی از «آمریکا» کار ساده‌ای است. شاید موارد افشاشده به‌نظر خوانندگان نکته‌سنج و هوشمند ایرانی قابل پیش‌بینی و حتی بدیهی به نظر برسد اما نباید فراموش کنیم داده‌های کم‌نظیر و بینش سیاسی بالای ایرانی‌ها حاصل جریان آزاد اطلاعاتی است که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران فراهم شد و چنین بصیرتی در میان اغلب ملت‌های منطقه تاکنون وجود نداشته است. باید خود را جای یک مسلمان سنی مذهب معتقد بگذاریم تا در ک کنیم افشای سند وابستگی

الزهر، به‌عنوان مرکز اصلی ادبیات عرب و علوم اسلامی سنی، در جهان به دربار فاسد و شهوت‌ران آل سعود تا چه اندازه هولناک و تاثیرگذار است! درک همین موقعیت‌سازی بی‌نظیر می‌تواند کلید پیش‌بینی‌های بزرگ درباره حوادث آینده منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باشد و بر جغرافیای سیاسی جهان تاثیراتی قابل تامل بر جای بگذارد.

### همه نقشه‌های براندازی نرم

براساس اسناد افشا شده، برخلاف برخی گمانه‌ها، مدبرین طرح شده از سوی یکی از سران فتنه، رابطه عربستان با ایران هیچگاه برادرانه و از سر احترام متقابل نبوده که به قول وی به واسطه بروز «رخی افراط‌گرایی‌ها» دستخوش تغییر شده باشد.

از یمن تا مصر، از لبنان تا سودان، از امارات تا افغانستان؛ سعودی‌ها تلاش کرده‌اند با پیش‌خرید سیاسیون، از نفوذ معنوی «انقلاب اسلامی» و اندیشه مترقی «سلام ناب محمدی» جلوگیری کرده و سیطره «اسلام آمریکایی» را با هدف حفظ منافع فرماندهان آمریکا و اسرائیل گسترش دهند. بر همین اساس در یک سند منتشر شده برای جلوگیری از موفقیت سفر سردار سلیمانی به لبنان، نام‌گذاری محرمانه و بسیج عمال وابسته را در دستور کار قرار داده‌اند و در سندی دیگر تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی ایران از طریق تمرکز بر شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و توییتر و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را کلاسه کرده‌اند.

مروری کوتاه بر رفتارهای ساماندهی شده در فضای شبکه‌های اجتماعی حکایت از آن دارد که سیاست تمرکز بر ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی با هدف مدیریت مطالبات مردمی حقیقتاً به صورت جدی در حال اجراء است. **از خیابان‌های مهاباد تا استادبوم آزادی:** پیش از این تحلیل هشتک‌های توییت شده با موضوع حادثه خودکشی دختر مهابادی و ارتباط دادن موضوع با مسائل قومیتی و امنیتی، از نقش جالب توجه سعودی‌ها در مدیریت بیش از ۹۰ درصد اخبار اولیه توسط عرب‌زبان‌های وابسته به آل سعود پرده برداشت.

جالب‌تر آنکه تحلیل توییت‌ها و پیام‌های فیس‌بوکی منتشر شده با موضوع «به استادبوم بروید» با هدف ایجاد جنبشی اجتماعی برای حضور زنان در استادبوم به‌عنوان رفتاری «ضد حاکمیتی» با تحریک نیمی از جامعه ایرانی نشان از داغ کردن موضوع توسط اکانت‌های سعودی و نقش آفرینی بیش از ۸۵ درصدی اعراب وابسته در ایجاد پیام‌های اولیه دارد یعنی کشوری که در آن، زنان حق رای دادن و راندگی با اتومبیل ندارند، در مسیر ایجاد و سرعت‌بخشی به مطالبات اجتماعی زنان

در ایران پرچمدار شده است! اکنون وقت آن است برخی مدیران داخلی ایرانی از جمله مولوردی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مروری بسر رفتار خود در تحریک فیس‌بوکی جامعه زنان برای «حضور در استادبوم» داشته باشند. آیا واقعا این موضوعی بود که به‌عنوان «دغدغه شماره یک» زنان ایرانی به مطالبه‌ای جدی تبدیل شده و موج‌سازی له یا علیه آن به ابزاری برای «شبکه‌سازی اجتماعی» و مدیریت رفتار شهروندان ایرانی در دست سعودی‌های مترصد فرصت تبدیل شود؟! آیا دولت نمی‌توانست به جای تحریک حداکثری افکار عمومی مسیری معقول و قانونی برای اجرایی شدن یا بیابگانی این پرونده بیابد؟

### یمن در خدمت امت اسلامی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین درس «سعودی لیکس» در درد ناشی از باور این موضوع مستتر است که «دشمن بیکار نیست» و بیکار نخواهد نشست! تزه‌ای «دایی جان ناپلئونی» بر آمد از سفارت انگلیس تا اید مسلمانان را دعوت به «خواب خرگوشی» با انگزنی اپتلا به بیماری «توهم توطئه» به روشنگران، خواهد کرد تا معرکه مبارزه با توطئه‌های ضد اسلامی خالی از مرد جنگی بماند. افشای اسناد وزارت خارجه و دفاع و کشور سعودی‌ها، فرصت بسیار خوبی برای به روزرسانی طرح‌ها و ایده‌های داخلی، منطقه‌ای و فرماندهی‌های منطقه‌ای است، چرا که تاریخ ثابت کرده آل سعود حاکمیتی بی‌شخصیت است که تنها در ظرف خواسته‌ها و طرح‌های آمریکایی-اسرائیلی قابل تحلیل است.

فرصت‌سازی اخیر را مدیون خون بصیرت‌آفرین شهدای یمنی و مجاهدت انصارالله هستیم که زیر تهدید بمباران‌های آل سعود، با تمسک به ابزار جنگ‌های آینده، برتری سایبری خود را به سلاحی تاریخی برای احداث پلی استراتژیک با هدف پیشرفت طرح خاورمیانه بدون اسرائیل و بازان اجرایی‌اش، تبدیل کرد. امام خمینی(ره) در پیام تاریخی درباره کشتار حجاج فرمودند: «اگر هزاران مبلغ و روحانی را به افکار عالم می‌فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام آمریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی‌توانستیم و اگر می‌خواستیم پرده از چهره کریه دست‌نشانندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام‌زدایی و مخالفت‌شان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مامور خراب کردن مسجد و محراب و مسؤول خاموش کردن شعله فریاد حق‌طلبانه ملت‌ها، باز به این زیبایی میسر نمی‌گردیدند.»